

تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات

نوذر شفیعی*

زهره دولت‌خواه**

چکیده

نگرانی‌های جامعه جهانی در خصوص آثار غیر انسانی ناشی از تسلیحات متعارف در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای بحران‌زده افریقا و نیز احتمال دستیابی جنایتکاران، گروه‌های مسلح غیر قانونی و تروریست‌ها به تسلیحات برای استفاده علیه غیر نظامیان از جمله زنان و کودکان، تلاش جدی برای اتخاذ سازوکارهای مؤثر بین‌المللی را به‌دنبال داشت. در این رابطه، تلاش و رایزنی گسترده کشورها به تصویب کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی در رابطه با سلاح‌های کوچک و سبک، مین‌های ضد نفر و بمب‌های خوشه‌ای انجامید. با وجود این، رشد فزاینده و نگران‌کننده تجارت غیر قانونی و قاچاق تسلیحات متعارف در مناطق مختلف جهان، به شکل‌گیری کمیته‌ی توسط برخی کشورها و سازمان‌های غیر دولتی منجر شد که در نتیجه‌ی لابی و تلاش گسترده آنها، پیش‌نویس «معاهده تجارت تسلیحات» بدون مذاکره جدی کلیه کشورها و تنها با اعمال نظر گروهی از کشورها تهیه و تدوین شد. سرانجام این معاهده با هدف ایجاد معیارهای مشترک بین‌المللی به‌منظور کنترل هرگونه واردات، صادرات و نقل‌وانتقال تسلیحات متعارف به‌دلیل عدم دستیابی اعضا به اجماع در کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات، از طریق رأی‌گیری در مجمع عمومی ملل متحد در مارس ۲۰۱۳ به تصویب رسید. در این پژوهش سعی بر آن است تا ضمن بررسی زمینه‌های شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات، روند حرکت جامعه بین‌المللی به سمت تصویب این معاهده با هدف کنترل جهانی تسلیحات متعارف مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

معاهده تجارت تسلیحات، سیستم کنترل ملی، تجارت غیر قانونی تسلیحات، معیارهای مشترک جهانی، رقابت تسلیحاتی، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

Email: shafiee2@hotmail.com

* استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

Email: Zahra.dolatkah@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، علوم تحقیقات اصفهان

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۰/۱۲

تاریخ ارسال: ۹۲/۶/۲۴

فصلنامه راهبرد/سال بیست و دوم/شماره ۶۹/ زمستان ۱۳۹۲/ صص ۱۷۳-۱۴۱

جستار گشایی

تجارت تسلیحات یکی از سودآورترین معاملات در سطح جهانی است که درآمدهای هنگفتی را برای کشورهای بزرگ صادرکننده تسلیحات یعنی امریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، انگلستان و اخیراً چین به ارمغان می‌آورد. رشد فزاینده تقاضا در میان کشورهای مختلف به دلایل امنیتی و گاه با هدف مقابله با بحران‌های داخلی و منطقه‌ای موجب شده تا کشورهای صادرکننده تسلیحات نیز به تبع بالارفتن تقاضا در جهان، میزان تولیدات و صادرات خود را افزایش دهند. تجارت تسلیحات توسط این گروه از کشورها که همواره از مدعیان اصلی حقوق بشر در جهان هستند، نتیجه‌ای جز مرگ شمار زیادی از انسان‌های بی‌گناه و به‌طور کلی نقض گسترده حقوق بشر نداشته است.

طی چند دهه گذشته، وقوع جنگ‌های متعدد داخلی و منطقه‌ای در نقاط مختلف جهان از جمله جنگ‌های داخلی در افریقا، حمله نظامی عراق به کویت، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، جنگ در افغانستان و عراق، جنگ‌های اخیر در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا، تأثیر معاملات غیر مسئولانه تسلیحات در جهان بر نقض حقوق غیر نظامیان به‌ویژه زنان و کودکان، افزایش شمار قربانیان در

نتیجه بحران‌ها و مناقشات مسلحانه، نقض گسترده حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کاهش و یا از بین رفتن فرصت‌های لازم برای توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورها را به شکلی گسترده آشکار ساخته است.

در نتیجه، ضرورت محدودسازی و کنترل فروش تسلیحات متعارف با هدف افزایش امنیت انسانی و کاهش آثار غیر انسانی تسلیحات بر غیر نظامیان، گروهی از شخصیت‌های عالی‌رتبه برنده صلح نوبل به رهبری اسکار آریاس، رئیس‌جمهور پیشین کاستاریکا را برآن داشت تا با همکاری دو سازمان بزرگ توسعه (اکسفام) و حقوق بشر (عفو بین‌الملل) و نیز شبکه بین‌المللی اقدام در مورد سلاح‌های کوچک، کمپین کنترل تسلیحات را با هدف پیگیری «معاهده تجارت تسلیحات»^۱ ایجاد کنند. در نتیجه‌ی لابی‌گری و رایزنی این کمپین با برخی کشورها، پیش‌نویس معاهده بدون اعمال نظر، دیدگاه‌ها، ملاحظات و مذاکره کلیه کشورها تهیه و تدوین شد؛ هرچند بارها به‌دلیل مخالفت برخی کشورها همچون امریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده تسلیحات در جهان مورد بازنگری قرار گرفت تا ملاحظات این کشور در پیش‌نویس معاهده لحاظ گردد.

1. Arms Trade Treaty (ATT)

در نهایت، این معاهده در دوم آوریل ۲۰۱۳ با رأی‌گیری، در مجمع عمومی ملل متحد (به دلیل عدم دستیابی اعضا به اجماع در کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات) به تصویب رسید.

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش مهم است که چه عواملی در شکل‌گیری معاهده تجارت تسلیحات و حرکت جامعه بین‌المللی به سمت تصویب این معاهده با هدف کنترل جهانی تسلیحات تأثیرگذار بوده است. اگرچه معاهده تجارت تسلیحات، گام مهم رو به جلویی در امر کنترل تسلیحات متعارف می‌باشد، اما میزان موفقیت آن در آینده بستگی به همراهی کلیه کشورها در اعمال معیارهای مشترک جهانی برای کنترل صادرات، واردات و نقل و انتقال تسلیحات بدون هرگونه رفتار گزینشی و تبعیض‌آمیز کشورهای صادرکننده تسلیحات دارد.

۱. چارچوب نظری

با توجه به نقش مهم و تعیین‌کننده «تسلیحات» به‌عنوان اصلی‌ترین محور امور دفاعی، نظریه‌های مرتبط با قدرت نظامی نیز بر همین اساس شکل گرفته‌اند. در مجموع، سه نظریه اساسی در حقوق و روابط بین‌الملل در خصوص نحوه برخورد با تسلیحات در

عرصه روابط بین‌المللی از نظر پذیرش کامل، نفی کامل و رویکرد نسبی و بینابینی وجود دارد: نظم‌آفرینی تسلیحات، نظم‌زدایی تسلیحات و تنظیم کاربرد تسلیحات (ساعد و علیدوستی، ۱۳۸۹، ص ۵۹). بر این اساس، موضوع معاهده تجارت تسلیحات بیشتر قابلیت تبیین با نظریه تنظیم کاربرد تسلیحات مبتنی بر رویکرد نسبی و بینابینی دارد. در نقطه مقابل این نظریه، دو نظریه دیگر قرار دارند که اشاره کوتاهی به آنها می‌تواند به درک بهتر نظریه تنظیم کاربرد تسلیحات کمک کند.

براساس نظریه نخست (نظم‌آفرینی تسلیحات) که عمدتاً متکی به مبانی فکری مکتب واقع‌گرایی است، نبود سلاح و حذف کامل سلاح‌های موجود عامل تضمین‌کننده صلح نیست، بلکه وجود این تسلیحات و برابری توانمندی نظامی و تسلیحاتی کشورهاست که موجب ثبات در وضعیت موجود و جلوگیری از بروز جنگ و بی‌نظمی خواهد شد. براساس این بینش، دولت‌ها در روابط بین‌المللی خود تابع اصل خودیاری خواهند بود. آنها باید بر قدرت نظامی خود بیفزایند تا امنیت ملی خود را تأمین کنند. استراتژی این بینش، جنگ‌محور است و بر پایه تفکر موازنه قدرت در حالت متعارف و

دکترین بازدارندگی در حالت غیر متعارف استوار است (سعیدآبادی، ۱۳۸۱، ص ۸). این نظریه از آن جهت با انتقادات جدی مواجه است که گاه افزایش توان تسلیحاتی و رقابت را به منظور دستیابی به توازن قدرت توصیه می‌کند و در این روند، هیچ تفکیکی میان سلاح‌های ممنوعه و مجاز قائل نمی‌شود. اساساً ممنوعیت را نه موازین بین‌المللی، بلکه توازن قوا تعیین می‌کند. این در حالی است که موازین حقوقی پس از جنگ جهانی اول و به‌ویژه دوم، مسیری خلاف جهت‌گیری نهفته در اساس این نظریه را درپیش گرفته‌اند و دولت‌ها را مجاز به افزایش توان تسلیحاتی خود به منظور امن‌سازی جهان نمی‌دانند.

نظریه دوم (نظم‌زدایی تسلیحات) مبتنی بر رهیافت خلع سلاح است. نگرش خلع سلاح و کنترل تسلیحات، در عین تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، افزایش توان تسلیحاتی و گسترش سطح زرادخانه‌های قدرت نظامی سخت را لازمه تحقق صلح و ثبات نمی‌دانند، بلکه وجود سلاح به‌مثابه پدیداری است که صلح را تضعیف و زایل می‌کند. طرفداران این نگرش معتقدند به‌دلیل رابطه نزدیکی که میان تسلیحات و تمایل و توان وقوع درگیری وجود دارد، وجود تسلیحات همراه با احتمال‌های قوی وقوع درگیری مسلحانه

خواهد بود. تاریخ ثابت نموده که درگیری‌های تهاجمی و تجاوزکارانه عمدتاً در مواردی صورت گرفته‌اند که دولت‌ها به قدرت تسلیحاتی انبوه رسیده و وضعیت توان خود را برتر از طرف‌های دیگر دانسته‌اند. از آنجا که قدرت، ماهیتی رو به تصاعد و انبساط دارد، چرخه فزونی قدرت تسلیحاتی سبب مسلح شدن جهان به انواع سلاح‌های مخرب خواهد شد. از طرف دیگر توازن قدرت تسلیحاتی (هسته فکری واقع‌گرایی) امری کمی، مبهم و غیر دست‌یافتنی است. از این رو، هر دولتی می‌تواند به بهانه دستیابی به توازن قدرت در برابر دشمنان و رقبای خود، توان تسلیحاتی را در حد نابودی خود و دیگر دولت‌ها دنبال کند. البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که نفی کامل برخورداری کشورها از توانمندی تسلیحاتی نیز نمی‌تواند به گسترش صلح و ثبات بین‌المللی کمک کند (ساعد و علیدوستی، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

در نقطه مقابل دو نظریه قبلی، نظریه تنظیم کاربرد تسلیحات با رویکردی نسبی و بینابینی قرار دارد که حاصل تفکرات حقوق بشردوستانه و مبتنی بر درک انسانی‌شدن حقوق بین‌الملل نوین است. حقوق بشردوستانه مکمل تلاش‌های حقوقی برای منع توسل به زور در روابط بین‌المللی است و

بر همین اساس، موازینی است که اگر حقوق توسل به زور از کارکردهای بازدارنده خود بازماند، این موازین با تلاش برای به حداقل رساندن آثار درگیری مسلحانه، از حقوق انسان‌های درگیر در جنگ و از حقوق دولت‌ها در برابر آثار مخرب کاربرد نیروی نظامی و تسلیحاتی حمایت می‌نماید. از این رو، غایت این رهیافت نیز تلقی تأثیر تسلیحات بر از بین رفتن صلح و امنیت بین‌المللی و ایجاد آلام بشری است. با وجود این، قاعده‌سازی برای ممنوع‌شماری داشتن یا نداشتن سلاح و انواع آن، خارج از محورهای این موازین بوده و در نتیجه حقوق بشردوستانه به صورت مستقیم دولت‌ها را به تولید، اکتساب و توسعه انواع خاصی از سلاح‌ها ملزم نمی‌کند. اما «کاربرد» سلاح‌ها در درگیری است که موجب تفکیک «سلاح‌های ممنوعه» از «مجاز» شده است. ممنوعیت کاربرد برخی سلاح‌ها در جنگ، ضریب استقبال دولت‌ها از این سلاح‌ها در سیاست‌های دفاعی و نظامی را به شدت تقلیل و ارزش راهبردی آنها را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است. در نتیجه، دولت‌ها نمی‌توانند فارغ از واکنش‌های بین‌المللی، سلاح‌های ممنوعه را در درگیری‌های تهاجمی یا تدافعی خود به کار گیرند (ساعد و علیدوستی، ۱۳۸۹، ص ۶۳).

در مجموع، به اعتقاد طرفداران نظریه تنظیم کاربرد تسلیحات، رشد فزاینده تجارت تسلیحات متعارف می‌تواند پیامدهای ناگوار انسانی فراوانی را در مناطق مختلف جهان به‌ویژه مناطق درگیر مناقشه و بحران داخلی همچون آفریقا و خاورمیانه به‌همراه داشته باشد. این نوع نگرش در کنار رشد فزاینده رقابت‌های جهانی برای صادرات تسلیحات، مبنای فکری تلاش‌های جهانی در حوزه تنظیم کاربرد تسلیحات قرار گرفته است. اگرچه تلاش‌های جهانی برای تصویب معاهده تجارت تسلیحات با هدف جلوگیری و ریشه‌کنی تجارت غیر قانونی تسلیحات متعارف و جلوگیری از انحراف آنها، ارتقای سطح توسعه، حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، و نیز شناساندن پیامدهای امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و بشردوستانه تجارت غیر قانونی تسلیحات متعارف در سطح جهان صورت پذیرفته، اما این امر به‌معنای آن نیست که معاهده تجارت تسلیحات، منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی کلیه کشورها اعم از صادرکننده و واردکننده را در امر کنترل واردات، صادرات و نقل‌وانتقال تسلیحات متعارف در جهان در نظر گرفته است. این‌گونه استنباط می‌گردد که این معاهده بیشتر در راستای تأمین منافع دولت‌های

صادرکننده تسلیحات متعارف تدوین و تنظیم شده و حقوق دولت‌های واردکننده نادیده انگاشته شده است. با این حال، این معاهده را می‌توان گام مهمی در جهت کنترل واردات، صادرات و نقل و انتقال تسلیحات متعارف در جهان دانست. در مجموع، با بررسی روند تاریخی اعمال محدودیت‌ها بر کاربرد سلاح‌های متعارف غیر انسانی می‌توان دریافت که این محدودیت‌ها به‌طور نسبی بر تولید، توسعه و دستیابی به سلاح‌های متعارف تأثیرگذار بوده و حقوق بشردوستانه نیز از همین طریق به فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات کمک نموده است.

۲. پیشینه تاریخی کنترل تدریجی تسلیحات متعارف

اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ، نخستین گام مهم جامعه جهانی در جهت کاهش هرچه بیشتر پیامدهای غیر انسانی ناشی از کاربرد تسلیحات متعارف محسوب می‌شود؛ گامی که در نهایت با تصویب «کنوانسیون ممنوعیت برخی سلاح‌های غیر انسانی»^۲ در سال ۱۹۸۰ و اجرایی شدن آن در دسامبر ۱۹۸۳ با هدف ممنوعیت گروه‌های مشخصی

از تسلیحات متعارف به ثمر نشست. این کنوانسیون به‌همراه پروتکل‌های متعدد آن توانست به توافق‌هایی در خصوص ممنوعیت انواع مختلفی از تسلیحات مورد استفاده در مناقشه‌ها همچون بمب‌های آتش‌زا دست یابد (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۰۲-۶۰۱).

تداوم استفاده از تسلیحات متعارف در جهان و به‌تبع آن افزایش شمار قربانیان به‌ویژه استفاده گسترده عراق از تسلیحات متعارف پیشتر خریداری‌شده از کشورهای بزرگ صادرکننده تسلیحات برای حمله به کویت، جامعه جهانی را برآن داشت تا همچنان به تلاش‌ها برای کنترل تسلیحات متعارف ادامه دهد. نخستین تلاش‌ها پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ با سازوکار پیشنهادی امریکا تحت عنوان «ابتکار عمل کنترل تسلیحات خاورمیانه»^۳ در ۲۹ مه ۱۹۹۱ مطرح شد. امریکا با اعلام اینکه اشاعه تسلیحات یک معضل جهانی است، از کشورهای عضو دائم شورای امنیت خواست تا در آینده‌ای نزدیک سمیناری را با هدف دستیابی به راهبردهایی برای نقل و انتقال تسلیحات متعارف برگزار کنند. براساس این ابتکار عمل، دولت‌های عرضه‌کننده تسلیحات

2. Convention on the Prohibition or Restriction on the Use of Certain Conventional Weapons (CCW or Inhumane Weapons Convention)

3. Middle East Arms Control Initiative

ملزم بودند تا ضمن ارائه گزارش سالانه از میزان نقل و انتقال تسلیحات متعارف خود، مقررات کلی مربوط به مسئولیت نقل و انتقال تسلیحات را نیز رعایت کنند، از نقل و انتقال تسلیحاتی که عامل بی ثباتی هستند، ممانعت به عمل آورند، و نظارت‌های صادراتی مؤثری را در سطح ملی برای پایان دادن به کاربرد تسلیحات و نقل و انتقال آن ایجاد و اعمال نمایند. سرانجام، دولت‌های عضو دائم شورای امنیت در ژوئیه ۱۹۹۱ در پاریس و اکتبر ۱۹۹۱ در لندن گردهم آمدند و در بیانیه نهایی اجلاس لندن بر تعهد دولت‌ها به رعایت راهبردهای مورد نظر برای نقل و انتقال تسلیحات متعارف تأکید کردند. به رغم توافق پنج دولت در مورد صدور بیانیه نهایی، همچنان اختلاف نظرهایی میان آنها بر سر نحوه اطلاع‌رسانی اولیه و اینکه آیا راهبردهای مورد نظر باید در جهان یا صرفاً در منطقه خاصی همچون خاورمیانه اعمال گردد، وجود داشت. با وجود برگزاری چندین جلسه دیگر در سال ۱۹۹۲ همچنان برخی مسائل حل نشده باقی ماندند و در نهایت فعالیت پنج دولت مذکور در قالب «بتکار عمل کنترل تسلیحات خاورمیانه» بدون دستیابی به نتیجه قابل توجهی متوقف گردید (Laurance, 2011).

تلاش‌ها برای کنترل نقل و انتقال تسلیحات متعارف با پیشنهاد شفاف‌سازی در امر تسلیحات در قطعنامه مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ (۱۸ آذر ۱۳۷۰) مجمع عمومی ادامه یافت. این قطعنامه با کسب اکثریت اعضا مورد تصویب قرار گرفت و مقرر شد تا با تعیین گروه‌های مشخصی از تسلیحات دارای جنبه تهاجمی مانند تانک، هواپیمای جنگی، نفربر و کشتی‌های جنگی در قالب چندین گروه اصلی و فرعی، کشورها موظف شوند هرگونه نقل و انتقال این تسلیحات را به اطلاع سازمان ملل متحد برسانند. این تعهد بعدها به تولیدات و انبارهای داخلی و به‌طور کلی صادرات و واردات کشورها تسری یافت و کشورها موظف شدند تولید، خرید و فروش این تسلیحات را نیز به سازمان ملل اعلام نمایند. به همین منظور، سازوکاری در سازمان ملل متحد تحت عنوان «دفتر ثبت تسلیحات متعارف ملل متحد»^۴ ایجاد شد که دربرگیرنده اطلاعات ارائه‌شده از سوی کشورهاست. این دفتر در قالب یک اقدام امنیتی همکاری جویانه طراحی شده بود تا از افزایش تسلیحات «بی‌ثبات‌کننده و فراوانی»^۵ که تهدیدکننده صلح و امنیت ملی، منطقه‌ای

4. United Nations Register of Conventional Arms
5. Excessive and Destabilizing

و بین‌المللی و نیز تشدیدکننده تنش‌ها و مناقشات گسترده هستند، جلوگیری به‌عمل آورد. تلاش بر این بود تا این اقدام از طریق گزارش داوطلبانه دولت‌ها از میزان واردات و صادرات تسلیحات متعارف اصلی مانند تانک‌ها، هواپیماهای جنگنده صورت پذیرد که طی یک سال گذشته به سایر کشورها انتقال یافته‌اند (Laurance, et al., 2005, pp. 225-246).

هدف از تأسیس این دفتر، ایجاد ابزارهای جهانی - شامل جمع‌آوری اطلاعات موجود در گزارش‌های سالانه دولت‌ها از تولیدات ملی، ذخایر نظامی و نیز میزان صادرات و واردات تسلیحات متعارف - برای محدودسازی و کنترل تجارت تسلیحات بود؛ ابزارهایی که در نتیجه مخالفت دولت‌ها به دلیل محرمانه‌بودن برخی اطلاعات و نیز تقابل شفاف‌سازی با موثرترین ابزارهای دفاع از خود به نتیجه خاصی منتهی نشد. اما نکته مهم دیگر، ضرورت ارائه تعریف دقیقی از مفهوم «بی‌ثبات‌کننده و فراوانی» بود که به دلیل دشواری تعریف، مسئولیت آن برعهده کنفرانس خلع سلاح قرار گرفت؛ هرچند این کنفرانس نیز پس از دو سال مذاکره نتوانست به توافقی در مورد تعریف عملی از این مفهوم دست یابد (Laurance, 2011).

تداوم وقوع بحران‌ها، مناقشات و جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای در نقاط مختلف جهان موجب شد تا جامعه جهانی از تلاش برای دستیابی به توافقی جدی برای کنترل تسلیحات متعارف باز نایستد؛ هرچند بنابه ضرورت به‌وجودآمده، توجه به انواع خاصی از تسلیحات متعارف معطوف گردید. استفاده گسترده از مین‌های ضد نفر در جنگ‌های داخلی در افریقا و جنگ افغانستان برای اخراج نیروهای اشغالگر شوروی و درگیری‌های بعدی داخلی در این کشور و آثار و تبعات جبران‌ناپذیر آن بر غیر نظامیان موجب شکل‌گیری تلاش‌های جدی طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی برای تکمیل مقررات کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد سلاح‌های متعارف و پروتکل‌های آن شد. سرانجام، دولت‌های عضو در سال ۱۹۹۶ در مورد اصلاح پروتکل دوم کنوانسیون ۱۹۸۰ سلاح‌های غیر انسانی به توافق دست یافتند و به این ترتیب، با طرح قوانین و مقررات جدید، اقدام مهمی در جهت مقابله با سلاح‌هایی با آثار فراوان غیر انسانی بر جمعیت غیر نظامی و خارج کردن آنها از رده سلاح‌های متعارف صورت پذیرفت. به‌رغم این موفقیت، کانادا و بسیاری از گروه‌های غیر دولتی با ناکافی خواندن این مقررات،

قرار داد. سازمان ملل متحد برای محدود کردن سلاح‌های کوچک و سبک، جلسات کارشناسی و در نهایت کنفرانس ملل متحد پیرامون تجارت غیر قانونی سلاح‌های کوچک و سبک در تمامی جنبه‌های آن را در ژوئیه ۲۰۰۱ (تیر ۱۳۸۰) با حضور کشورها و سازمان‌های غیر دولتی برگزار کرد که نتیجه آن تصویب «برنامه اقدام برای مقابله با تجارت غیر قانونی سلاح‌های کوچک و سبک»^۷ بود.^(۱)

در کنار تلاش‌های جهانی به منظور مقابله با سلاح‌های کوچک، ابتکارات مختلف منطقه‌ای برای مبارزه با تجارت غیر قانونی سلاح‌های کوچک و سبک صورت گرفت. در این رابطه، قاره آمریکا نیز کنوانسیون را در نوامبر ۱۹۹۷ (آبان ۱۳۷۶) تحت عنوان «کنوانسیون بین‌امریکایی علیه تولید غیر قانونی و قاچاق سلاح‌های گرم، مهمات، مواد انفجاری و سایر مواد مرتبط»^۸ به تصویب رساند که به واسطه آن دولت‌های عضو موظف

زمینه‌های مذاکره در مورد کنوانسیون در کانادا را فراهم آوردند که به «کنوانسیون اتاوا» برای ممنوعیت کلیه مین‌های ضد نفر معروف شد. این کنوانسیون با فاصله کوتاهی در سال ۱۹۹۷ آماده امضا شد و در اول مارس ۱۹۹۹ (۱۰ اسفند ۱۳۷۷) لازم‌الاجرا گردید. نزدیک به ۱۶۰ کشور نیز با فاصله اندکی رسماً به عضویت «کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و انهدام آن»^۶ درآمدند. البته تعدادی از کشورهای دارای مرزهای طولانی و خطرناک از پیوستن به کنوانسیون به دلیل استفاده از مین‌های ضد نفر برای حفظ امنیت مرزهای خود امتناع کردند (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷، ج ۲، صص ۶۰۲-۶۰۳).

پس از این موفقیت، جامعه جهانی در نتیجه گسترش اقدامات تروریستی و جنگ‌های داخلی، محدودیت تجارت سلاح‌های کوچک و سبک را با هدف جلوگیری از دسترسی گروه‌های غیر دولتی به این سلاح‌ها جهت استفاده از آنها در جنگ‌های داخلی و وارد کردن خسارات قابل توجه به غیر نظامیان در دستور کار خود

7. United Nations Programme of Action to Prevent, Combat and Eradicate the Illicit Trade in Small Arms and Light Weapons in all its Aspects
8. Inter-American Convention against the Illicit Manufacturing and Trafficking in Firearms, Ammunition, Explosives and Other Related Materials (CIFTA Convention)

6. Convention on the Prohibition of the Use, Stockpiling, Production and Transfer of Anti-personnel Mines and on the Destruction

کاهش سلاح‌های کوچک و سبک، تعهدات مشابهی را برای صدور مجوز واردات یا سیستم‌های اجازه و تأیید تحویل سلاح‌ها تحت نظارت پروتکل سلاح‌های گرم سازمان ملل اعمال می‌کند که دولت‌های عضو موظف به رعایت آن هستند^(۳) (Bromley and Holton, 2011, pp.3-4).

اتحادیه اروپا در ژوئن ۱۹۹۷ «برنامه جلوگیری از قاچاق غیر قانونی سلاح‌های متعارف»^{۱۴} را به تصویب رساند که براساس آن هرگونه انتقال این تسلیحات توسط کشورهای عضو اتحادیه صرفاً باید براساس نیازهای مشروع دفاعی و امنیتی اعضا صورت گیرد. اقدام مشابهی نیز توسط سازمان امنیت و همکاری اروپا در سال ۲۰۰۰ انجام شد که براساس سند تصویبی آن، کشورهای عضو متعهد شدند با قاچاق این سلاح‌ها مقابله نموده و میزان ذخایر آنها را در انبارها و زرادخانه‌های خود کاهش دهند. کشورهای عضو همچنین متعهد به ایجاد سیستم‌های کنترل ملی صادرات برای تسلیحات فوق شدند تا صادرات این اقلام را کاهش داده و انجام هرگونه صادراتی را صرفاً منوط به نیازهای دفاع مشروع کشورها و ملاحظات

14. EU Programme for Preventing and Combating Illicit Trafficking in Conventional Arms

به ایجاد «سیستم مؤثر»^۹ صدور مجوز واردات یا اجازه برای سلاح‌های گرم، مهمات، مواد انفجاری و سایر مواد مرتبط شدند.^(۲)

کشورهای حوزه غرب افریقا نیز به‌عنوان اعضای «جامعه اقتصادی کشورهای غرب افریقا»^{۱۰} در سال ۱۹۹۸ سندی برای جلوگیری از صادرات، واردات و تولید سلاح‌های کوچک و سبک تدوین کردند. متعاقب این امر، یک «کردارنامه»^{۱۱} برای اجرای بیانیه مذکور در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسید و کشورهای عضو در قالب این کردارنامه توافق کردند که به‌صورت مستمر تعهدات ناشی از توافق سال ۱۹۹۸ سران این منطقه برای مقابله با تولید و تجارت سلاح‌های کوچک و سبک را اجرا نمایند. علاوه بر این، «کنوانسیون سلاح‌های کوچک و سبک، مهمات آنها و سایر مواد مرتبط»^{۱۲} جامعه اقتصادی کشورهای غرب افریقا در سال ۲۰۰۶ و نیز «پروتکل نایروبی»^{۱۳} مصوب سال ۲۰۰۴ به‌منظور جلوگیری، کنترل و

9. Effective System

10. Economic Community of West African States (ECOWAS)

11. Code of Conduct

12. Convention in Small Arms and Light Weapons, Their Ammunition and Other Related Materials (ECOWAS Convention)

13. Nairobi Protocol

صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نمایند. همچنین کشورهای عضو سازمان امنیت و همکاری اروپا توافق کردند اقدامات لازم را جهت خلع سلاح شبه‌نظامیان و نیروهای نظامی در جنگ‌های داخلی و جمع‌آوری سلاح‌های آنها پس از پایان مناقشات داخلی انجام دهند (UNPoA-ISS).

همزمان با تلاش‌های جهانی برای مقابله با برخی انواع تسلیحات متعارف از جمله سلاح‌های کوچک و سبک، مباحثی نیز در خصوص ضرورت پیگیری معاهده‌ای جامع و کامل برای کنترل تجارت تسلیحات متعارف مطرح شد. در واقع، کشورها امیدوار بودند تا روند تجارت تسلیحات متعارف را با ایجاد معیارهای مشترک جهانی کنترل نمایند؛ چرا که میزان رقابت تسلیحاتی میان صادرکنندگان بزرگ جهان به تدریج در حال افزایش بود.

۳. رقابت تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ و ضرورت کنترل تسلیحات

افزایش ۱۷ درصدی حجم نقل و انتقال تسلیحات متعارف توسط قدرت‌های بزرگ صادرکننده طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸ در مقایسه با سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ نشانگر افزایش رقابت تسلیحاتی این قدرت‌ها برای در

اختیار گرفتن بازارهای جدید تسلیحاتی در مناطق مختلف جهان است. آمریکا، روسیه، آلمان، فرانسه و چین از جمله پنج قدرت بزرگ صادرکننده تسلیحات طی سال‌های ۲۰۰۸-۱۲ هستند که سهم قابل توجهی در صادرات تسلیحات داشته‌اند. این نخستین بار پس از جنگ سرد است که کشوری خارج از اتحادیه اروپا و شمال آمریکا در میان پنج صادرکننده بزرگ تسلیحات قرار می‌گیرد. در واقع، چین با کنار زدن انگلستان توانسته است به پنجمین کشور صادرکننده تسلیحات در جهان تبدیل شود. کنار رفتن انگلستان از صحنه رقابت تسلیحاتی و به تبع آن کاهش درآمدهای هنگفت مالی این کشور، تأثیر زیادی بر پیگیری جدی فرایند معاهده تجارت تسلیحات داشته است.

طی سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۸، آمریکا حدود ۴۵ درصد از تسلیحات خود را به منطقه آسیا و اقیانوسیه، ۲۷ درصد به خاورمیانه و ۱۸ درصد به اروپا صادر نموده که از این میان، سهم منطقه آسیا و اقیانوسیه از تسلیحات آمریکا بسیار قابل توجه است. عراق و افغانستان نیز متعاقب خروج نیروهای آمریکایی و واگذاری عملیات‌ها به نیروهای داخلی حدود ۴ درصد صادرات تسلیحات آمریکا را به خود اختصاص داده‌اند. روسیه،

دومین کشور صادرکننده بزرگ تسلیحات حدود ۶۵ درصد از تسلیحات خود را به آسیا و اقیانوسیه، ۱۷ درصد به افریقا و ۹ درصد به خاورمیانه صادر می‌کند که باز هم سهم منطقه آسیا و اقیانوسیه از تسلیحات روسیه بسیار قابل توجه است. هند همچنان بزرگ‌ترین دریافت‌کننده تسلیحات صادراتی روسیه به‌شمار می‌رود. در این میان، صادرات تسلیحات آلمان به‌عنوان سومین کشور بزرگ صادرکننده بین سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۷ و ۲۰۰۸-۲۰۰۳ حدود ۸ درصد کاهش یافته است. با وجود این، حدود ۳۵ درصد از تسلیحات آلمان به سایر کشورهای اتحادیه اروپا، ۳۱ درصد به آسیا و اقیانوسیه، ۱۷ درصد به کشورهای امریکای لاتین و ۱۴ درصد به منطقه خاورمیانه صادر می‌شود. صادرات تسلیحات فرانسه به‌عنوان چهارمین کشور بزرگ صادرکننده نیز بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ و ۲۰۰۸-۲۰۰۳ حدود ۱۸ درصد کاهش داشته است. به‌رغم این مسئله، فرانسه همچنان ۵۴ درصد تسلیحات خود را به آسیا و اقیانوسیه، ۱۴ درصد به سایر کشورهای اتحادیه اروپا، ۱۳ درصد به افریقا و ۱۱ درصد به منطقه خاورمیانه صادر می‌کند. به‌واسطه افزایش حجم صادرات تسلیحات متعارف چین به ۱۶۲ درصد بین سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ و ۲۰۰۸-۲۰۰۳ سهم این کشور از حجم صادرات بین‌المللی تسلیحات نیز از ۲ درصد به ۵ درصد افزایش یافته است. در این میان، سهم آسیا و اقیانوسیه از صادرات چین حدود ۷۴ درصد و سهم افریقا ۱۳ درصد می‌باشد. نکته قابل توجه این است که پاکستان با اختصاص ۵۵ درصد از صادرات تسلیحات چین همچنان بزرگ‌ترین کشور دریافت‌کننده تسلیحات چین محسوب می‌شود (Holtom et. al., 2013, pp.2-4).

آمار مؤسسه سیپری در خصوص میزان صادرات تسلیحات متعارف توسط صادرکنندگان بزرگ جهان تاحدی می‌تواند گویای نقش قابل‌ملاحظه کشورهای اروپایی در حمایت از فرایند معاهده تجارت تسلیحات باشد. این کشورها در نتیجه کاهش میزان صادرات تسلیحات و درآمد‌هایشان نیازمند تنظیم بازار تسلیحات هستند تا بیش از این از رقابت تسلیحاتی با کشورهای صادرکننده بزرگ بازمانند. علاوه بر این، کشورهای اروپایی به‌دنبال آن هستند تا از طریق محدودیت‌های صادراتی جدید مانع از صدور بی‌رویه تسلیحات متعارف توسط کشورهایمانند چین و روسیه به منطقه خاورمیانه و برخی کشورهای افریقایی با هدف افزایش نفوذ و تأمین منافع ملی شوند.

آمار و ارقام ارائه شده توسط مؤسسه سیپری بیانگر حجم بالای نقل و انتقال تسلیحات در سراسر جهان است که همین امر می تواند زمینه ساز بروز ناامنی، خشونت و نیز شعله ور شدن بحران، مناقشه مسلحانه و جنگ داخلی و منطقه ای در مناطق مختلف جهان به ویژه منطقه آفریقا و خاورمیانه گردد. کشورهای اصلی صادرکننده تسلیحات همواره با هدف تأمین اهداف و منافع ملی خود به سیاست های هدفمندی همچون بزرگنمایی تهدیدات امنیتی در نقاط مختلف جهان از طریق تبلیغات رسانه ای گسترده روی می آورند تا به واسطه آن به مهم ترین اهداف خود یعنی فروش فزاینده تسلیحات و کسب درآمدها و سودهای هنگفت، حمایت از صنایع تسلیحاتی داخلی از طریق فروش تسلیحات قدیمی و سفارش تولید تسلیحات جدید و پیشرفته تر، وابسته نمودن کشورهای واردکننده به تجهیزات و تولیدات تسلیحاتی کشور صادرکننده دست یابند.

با توجه به رشد فزاینده مبادلات جهانی تسلیحات به رقمی بالغ بر ۷۰-۶۰ میلیارد دلار در سال و به تبع آن دستیابی بازیگران غیر دولتی، گروه های تروریستی، شورشیان و شبه نظامیان به تسلیحات متعارف در نتیجه تجارت غیر قانونی تسلیحات برای استفاده

اما در خصوص کشورهای بزرگ واردکننده تسلیحات می توان به اسامی پنج کشور مهم هند، چین، پاکستان، کره جنوبی و سنگاپور اشاره کرد که همگی جزو منطقه آسیا هستند. از سال ۱۹۵۰، فهرست پنج کشور بزرگ واردکننده تسلیحات متعارف در مقایسه با فهرست پنج کشور بزرگ صادرکننده تسلیحات بیشترین تغییر را داشته؛ هرچند ترکیب فهرست پنج کشور بزرگ واردکننده تسلیحات طی سال های اخیر نسبتاً ثابت باقی مانده است. حجم واردات تسلیحات توسط این پنج کشور طی سال های ۱۲-۲۰۰۸ حدود ۳ درصد کمتر از حجم واردات تسلیحات طی سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ بوده که این امر بیانگر کاهش سهم کلی واردات از ۳۸ درصد به ۳۲ درصد است. در مجموع، حجم واردات تسلیحات بین سال های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ و ۱۲-۲۰۰۸ در منطقه آسیا و اقیانوسیه حدود ۳۵ درصد، کشورهای امریکایی حدود ۳۴ درصد و کشورهای آفریقایی حدود ۱۰۴ درصد افزایش داشته و تنها کشورهای اروپایی حدود ۲۰ درصد و خاورمیانه حدود ۷ درصد از حجم واردات تسلیحات خود را کاهش داده اند (Holtom and et al., 2013, p.4).

علیه غیر نظامیان به‌ویژه زنان و کودکان در برخی کشورهای بحران‌زده، شمار قربانیان تسلیحات متعارف سالانه به بیش از ۷۵۰ هزار نفر افزایش یافته که همین امر نگرانی‌ها در خصوص احتمال افزایش هرچه بیشتر قربانیان در آینده به دلیل تجارت غیر قانونی تسلیحات و تهدید صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را بیش از پیش افزایش می‌دهد. تداوم نگرانی‌ها از افزایش تجارت غیر مسئولانه تسلیحات و به تبع آن افزایش شمار قربانیان، گروهی از شخصیت‌های عالی‌رتبه برنده صلح نوبل را برآن داشت تا با ایجاد کمپین کنترل تجارت تسلیحات متعارف در قالب معاهده‌ای جهانی گام بردارند. پیوستن گروهی از کشورها به این کمپین، تهیه پیش‌نویس معاهده و تلاش برای تصویب آن از طریق صدور قطعنامه در مجمع عمومی گرچه گام مهمی در راستای کنترل تجارت تسلیحات تلقی می‌شود، اما گویای آغاز فرایندی است که در آن، معاهده‌ای جهانی بدون مذاکره کلیه کشورها و مد نظر قرار دادن نگرانی‌ها و ملاحظات آنها به تصویب می‌رسد. این امر از آن جهت می‌تواند نگران‌کننده باشد که در خصوص سایر معاهدات بین‌المللی نیز چنین رویه‌ای در آینده اتخاذ شود و دیدگاه‌ها و ملاحظات تنها

گروهی از کشورها بر سایرین تحمیل گردد. با وجود این، بررسی روند شکل‌گیری، چالش‌ها، فراز و نشیب‌ها و نقاط ضعف و قوت معاهده از جمله اقدامات ضروری برای شناخت هرچه بیشتر معاهده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۴. معاهده تجارت تسلیحات: تلاش برای کنترل تسلیحات متعارف

معاهده تجارت تسلیحات بخشی از تلاش گسترده جهانی در سال ۲۰۰۱ است که با تصویب «برنامه اقدام برای جلوگیری، مبارزه و ریشه‌کنی تجارت غیر قانونی سلاح‌های کوچک و سبک در تمامی جنبه‌های آن» توسط سازمان ملل متحد مطرح گردیده و عناصر مهمی از «کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی»^{۱۵} و «پروتکل علیه تولید غیر قانونی و قاچاق سلاح‌های گرم، قطعات و اجزای آنها و مهمات»^{۱۶} موسوم به پروتکل سلاح‌های گرم و نیز «سند بین‌المللی برای توانمندسازی دولت‌ها جهت شناسایی و

15. United Nations Convention against Transnational Organized Crime

16. United Nations Protocol against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, Their Parts and Components and Ammunition

ملل متحد فراهم آمد (Villacampa, 2012, pp.2-3).

برخی کشورهای آفریقایی همچون کنیا به‌عنوان هم‌بانی قطعنامه پیشنهادی در سال ۲۰۰۴ نقش مهمی در فرایند معاهده ایفا کردند. در این میان، نیجریه، غنا و سایر دولت‌های عضو «جامعه اقتصادی دولت‌های غرب آفریقا»^{۲۲} نیز تأثیر به‌سزایی در فرایند مذاکراتی معاهده، غالباً به نیابت از «گروه آفریقا»^{۲۳} داشتند. این دولت‌ها با هدف کاهش آلام انسانی ناشی از آثار تجارت تسلیحات در آفریقا که حتی به وقوع جنگ‌های خشونت‌بار در برخی کشورهای آفریقایی همچون کنگو، رواندا، سومالی و لیبیا طی دهه ۹۰ میلادی و نیز نسل‌کشی در رواندا انجامیده بود، درصد برآمدند تا با اتخاذ موضعی واحد در فرایند مذاکراتی معاهده‌ای شرکت کنند که صلح و امنیت را در سراسر این قاره افزایش دهد. این گروه از کشورها بر این مسئله که دامنه معاهده تجارت تسلیحات باید شامل کلیه تسلیحات متعارف، اجزا و عناصر آن و نیز فناوری مورد نیاز برای تولید یا تبدیل تسلیحات متعارف و از همه مهم‌تر مهمات آن گردد، تأکید داشتند. هرچند در این میان،

22. Economic Community of West African States (ECOWAS)
23. African Group

ردیابی به‌موقع و با روش قابل اعتماد سلاح‌های کوچک و سبک غیر قانونی»^{۱۷} را دربرمی‌گیرد.

اندک زمانی پس از تصویب برنامه اقدام در سال ۲۰۰۳، گروهی از شخصیت‌های عالی‌رتبه برنده صلح نوبل به رهبری اُسکار آریاس^{۱۸}، رئیس‌جمهور پیشین کاستاریکا، با همکاری دو سازمان غیردولتی بزرگ توسعه (اکسفام)^{۱۹} و حقوق بشر (عفو بین‌الملل)^{۲۰} و نیز شبکه بین‌المللی اقدام در مورد سلاح‌های کوچک^{۲۱}، کمپین کنترل تسلیحات را با هدف پیگیری معاهده تجارت تسلیحات ایجاد کردند. کامبوج، کاستاریکا، فنلاند، ایسلند و مالی جزو نخستین دولت‌هایی بودند که با حمایت از این ایده به کمپین پیوستند. در سال ۲۰۰۴ همزمان با اعلام حمایت انگلستان از پیش‌نویس معاهده مذکور، زمینه‌های همکاری میان کشورهای انگلستان، آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، فنلاند، ژاپن و کنیا برای تصویب قطعنامه‌ای در این رابطه در سازمان

17. International Instrument to Enable States to Identify and Trace
18. Oscar Arias
19. Oxfam
20. Amnesty International
21. International Action Network on Small Arms (IANSA)

برخی کشورهای شمال افریقا همچون مصر و الجزایر بارها نسبت به محتوای معاهده و روش خاص مذاکراتی آن مبنی بر اینکه پیش‌نویس معاهده بدون اعمال نظر کلیه کشورها تهیه و تدوین شده بود، اظهارنگرانی کرده بودند (Bolton, 2013).

در این میان، نقش حمایتی انگلستان از پیش‌نویس معاهده در کنار هم‌بانی شدن برای تصویب قطعنامه‌ای در مورد معاهده تجارت تسلیحات از جمله نکات قابل توجه می‌باشد. با وجود اینکه انگلستان طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۳ جایگاه پنجم را در میان پنج کشور صادرکننده تسلیحات داشت، اما رشد بالای اقتصادی چین و نقش فعال آن در صادرات تسلیحات متعارف به برخی کشورها، احتمال سقوط انگلستان به رده‌های پایین‌تر و به‌تبع آن دور ماندن از فضای رقابتی صادرکنندگان بزرگ برای بازاریابی و کسب درآمدهای هنگفت مالی به‌ویژه در نتیجه کاهش صادرات تسلیحات به سایر کشورها را بیش از پیش پررنگ‌تر کرده بود. شاید این مسئله تنها یکی از دلایل انگلستان برای حضور و مشارکت جدی به‌ویژه در قالب هم‌بانی قطعنامه پیشنهادی به‌منظور الزام و محدودکردن صادرکنندگان تسلیحات به

تعهدات بین‌المللی و متعاقباً کاهش درآمدهای هنگفت مالی آنها باشد.

انگلستان، آرژانتین، استرالیا، کاستاریکا، فنلاند، ژاپن و کنیا با حمایت بیش از ۱۰۰ کشور دیگر، قطعنامه ۶۱/۸۹ را در دسامبر ۲۰۰۶ در کمیته نخست مجمع عمومی تحت عنوان «به‌سوی معاهده تجارت تسلیحات: ایجاد معیارهای مشترک بین‌المللی برای واردات، صادرات و انتقال تسلیحات متعارف» با ۱۵۳ رأی مثبت، ۲۴ رأی ممتنع و یک رأی منفی امریکا به تصویب رساندند. امریکا احتمالاً به دلیل مخالفت برخی انجمن‌ها، نهادها و سازمان‌های ملی حامی مالکیت اسلحه در این کشور همچون «انجمن ملی تفنگ امریکا»^{۲۴} و نیز مغایرت برخی مفاد معاهده با قوانین داخلی مالکیت اسلحه به این قطعنامه رأی منفی داد. در نتیجه تصویب قطعنامه فوق، «گروه کارشناسان دولتی ملل متحد در خصوص معاهده تجارت تسلیحات»^{۲۵} موظف به تهیه گزارشی پیرامون میزان اجرایی شدن معاهده، دامنه، طرح‌های کلی عمومی و عوامل تأثیرگذار بر معاهده شدند (Mack, 2010). این گزارش در نهایت

24. The National Rifle Association of America (NRA)

25. UN Group of Governmental Experts on the ATT

مجمع عمومی سازمان ملل رسید (Abramson, 2009).

در این دوران، امریکا موافقت و حمایت خود از فرایند مذاکراتی معاهده را به رعایت خطوط قرمز این کشور در متن معاهده مشروط کرده بود. این موارد عبارت بودند از: عدم اعمال محدودیت بر مالکیت یا تجارت مجاز سلاح‌های گرم توسط شهروندان امریکایی مطابق قانون اساسی این کشور؛ عدم کاهش نظارت ملی بر مسائل مرتبط با دسترسی و مالکیت خصوصی مجاز سلاح‌های گرم مطابق قوانین داخلی؛ مخالفت امریکا با مفاد مغایر با قوانین موجود امریکا یا مفادی که بدون هیچ‌گونه دلیلی در توانایی واردات، صادرات یا نقل و انتقال تسلیحات صورت گرفته در چارچوب منافع امنیت ملی و سیاست خارجی این کشور اخلاص ایجاد می‌کند؛ عدم ممانعت و جلوگیری از تجارت قانونی تسلیحات با توجه به قانونی بودن تجارت بین‌المللی تسلیحات به‌عنوان یک فعالیت تجاری؛ عدم وجود الزام به گزارش‌دهی یا نشان‌دادن و ردیابی مهمات یا مواد انفجاری؛ عدم تضعیف معیارهای بین‌المللی کنونی با مفاد معاهده؛ عدم تضعیف رژیم‌های موجود عدم اشاعه و کنترل تسلیحات؛ لزوم تصمیم‌گیری از طریق اجماع؛ و عدم ایجاد

در اوت ۲۰۰۸ با اشاره به مسائل مهمی همچون احترام به حاکمیت دولت‌های عضو و عدم مداخله در امور داخلی کشورها، اهداف و معیارهای پذیرفته‌شده جهانی برای اعلام موافقت با نقل و انتقال تسلیحات، شمولیت سلاح‌های کوچک و مهمات در معاهده، فعالیت‌های تحت پوشش معاهده شامل صادرات، واردات، نقل و انتقال بالقوه تسلیحات، ترانزیت، حمل و نقل عبوری، نقل و انتقال فناوری و در نهایت صدور مجوز منتشر گردید (Kimball, 2011).

در دسامبر ۲۰۰۸، همزمان با تصویب دومین قطعنامه به شماره ۶۳/۲۴۰ توسط مجمع عمومی، «گروه کاری نامحدود ملل متحد در خصوص معاهده تجارت تسلیحات»^{۲۶} به منظور تجزیه و تحلیل توانمندی‌ها، دامنه و پیش‌نویس سند جامع الزام‌آوری که ایجادکننده معیارهای مشترک بین‌المللی برای واردات، صادرات و انتقال تسلیحات متعارف باشد، شکل گرفت. در دسامبر ۲۰۰۹، همزمان با ریاست جمهوری باراک اوباما در امریکا، سومین قطعنامه به شماره ۶۴/۴۸ در رابطه با معاهده تجارت تسلیحات با ۱۵۱ رأی مثبت، ۲۰ رأی ممتنع و یک رأی منفی زیمبابوه به تصویب

26. UN Open-Ended Working Group on ATT

رکن بین‌المللی جدید به‌منظور اجرایی کردن معاهده (U.S. Department of State). لذا عدم مخالفت این کشور با سومین قطعنامه پیشنهادی برخلاف قطعنامه سال ۲۰۰۶ تا حدی می‌تواند بیانگر اعمال دیدگاه‌ها، ملاحظات و رعایت خطوط قرمز امریکا در مفاد معاهده باشد. به هر ترتیب، همزمان با تصویب این قطعنامه، به‌طور رسمی فرایند مذاکراتی کشورها پیرامون معاهده تجارت تسلیحات آغاز گردید و مطابق آن مقرر شد کنفرانسی در ژوئیه ۲۰۱۲ با هدف تشریح سند الزام‌آور معاهده به‌همراه معیارهای مشترک بین‌المللی برای نقل و انتقال تسلیحات متعارف برگزار گردد.

به‌رغم آنکه کشورهای افریقایی تلاش داشتند قبل از برگزاری کنفرانس مذاکراتی سال ۲۰۱۲ با موضوعی مشترک در فرایند مذاکراتی معاهده شرکت کنند، اما اختلاف نظر میان کشورهای شمال افریقا و کشورهای زیرصحرای افریقا مانع از تحقق این امر شد. در حقیقت، برخی کشورهای شمال افریقا نگران این مسئله بودند که تنظیم معاهده تجارت تسلیحات، توانایی آنها برای دفاع از خود در برابر تحولات منطقه‌ای را تضعیف کند. در مقابل، شمار زیادی از کشورهای زیرصحرای افریقا به‌دلیل وقوع خشونت‌های مسلحانه در این منطقه، حامی جدی معاهده تجارت تسلیحات بودند. تلاش‌های گسترده آنها برای مقابله با اشاعه غیر قانونی سلاح‌های کوچک و سبک و نیز مهمات، گویای نگرانی مردم این منطقه از جهان است؛ چرا که مطابق آمار سال ۲۰۱۱، حدود ۲۸ کشور از ۵۸ کشور زیرصحرای افریقا قربانی خشونت‌های مرگبار ناشی از کاربرد تسلیحات متعارف بوده‌اند (Lamb, 2012).

پیش از برگزاری کنفرانس دیپلماتیک در ژوئیه ۲۰۱۲، کمیته مقدماتی معاهده طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ چهار جلسه در شهر نیویورک در ژوئیه ۲۰۱۰، فوریه/مارس ۲۰۱۱، ژوئیه ۲۰۱۱ و فوریه ۲۰۱۲ برگزار کرد. هدف از برگزاری این جلسات، مرتفع ساختن موضوعات مورد اختلاف اعضا و نیز رسیدگی به امور رویه‌ای معاهده بود. عمده دیدگاه‌ها و پیشنهادات گروه افریقا در جریان مذاکرات کمیته‌های مقدماتی معاهده بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۲ بیش از آنکه بر «نگرانی‌های بشردوستانه» تمرکز داشته باشد، مبتنی بر ضرورت حفظ «منافع امنیت ملی» این کشورها بود. همچنین آنها بر جلوگیری از دستیابی «بازیگران غیر دولتی غیر مجاز» به تسلیحات متعارف و تجارت غیر قانونی و نیز

حاوی مفادی در خصوص سلاح‌های کوچک و سبک و نیز مهمات، اجزا و عناصر آن، لزوم جلوگیری از نقل و انتقال تسلیحات به تروریست‌ها و گروه‌های سازمان‌یافته جنایتکار و محدودیت انتقال تسلیحات در صورت نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشردوستانه یا خشونت جنسی باشد (Bolton, 2013)).

چند ماه پس از برگزاری آخرین جلسه کمیته مقدماتی در فوریه ۲۰۱۲، کنفرانس دیپلماتیک سازمان ملل در خصوص معاهده تجارت تسلیحات از تاریخ ۲ تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۲ در مقر سازمان ملل در نیویورک برگزار شد، اما به‌رغم چهار هفته مذاکرات مستمر اعضا، بدون دستیابی به توافقی پیرامون متن معاهده به کار خود پایان داد. در واقع، زمانی که به‌نظر می‌رسید اجماع میان اعضا در خصوص کلیه مباحث مندرج در متن پیشنهادی معاهده حاصل شده است، هیئت امریکایی با اعلام نیاز به زمان بیشتر برای بررسی پیش‌نویس، مانع از تصویب معاهده شد. پس از آن، بیش از ۹۰ کشور طی بیانیه مشترکی بر حمایت مجدد خود از معاهده تجارت تسلیحات تأکید کردند. امریکا چند ماه پس از برگزاری نخستین کنفرانس دیپلماتیک، قطعنامه جدیدی تصویب کرد و در آن بر ضرورت سازماندهی دومین

حمایت از «حقوق خاص دولت‌های واردکننده تسلیحات» تأکید داشتند؛ هرچند این دیدگاه آنها در جریان مذاکرات ژوئیه ۲۰۱۲ تاحدی به سمت نگرانی‌های بشردوستانه و تأثیر آن بر زندگی انسان‌ها و تحمیل هزینه‌های اقتصادی فراوان سوق پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که مواضع آنها در قبال معاهده در جریان برگزاری دو مذاکره نهایی کنفرانس آشکار شد، مبنی بر اینکه دامنه معاهده باید فراتر از «منافع امنیت ملی» باشد تا نگرانی‌های مربوط به «امنیت انسانی» را نیز تحت پوشش قرار دهد؛ نگرانی‌هایی که تأکید بر جلوگیری از نقل و انتقال تسلیحات متعارفی دارد که تهدیدکننده توسعه اجتماعی - اقتصادی و عامل خشونت جنسی هستند. معاهده تجارت تسلیحات باید دربرگیرنده مفادی در خصوص ضرورت شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت‌ها و تعریف گسترده‌ای از نقل و انتقال تسلیحات باشد. این معاهده نباید صرفاً یک معاهده خلع‌سلاحی یا کنترل تسلیحاتی به‌ویژه تسلیحات متعارف باشد، بلکه باید با جلوگیری از نقض حقوق بشر، حقوق انسان‌ها و اقلیت‌ها در سراسر جهان حمایت کند و نگرانی‌های بشردوستانه را نیز مورد توجه قرار دهد. کشورهای افریقایی به‌دنبال آن بودند که متن نهایی معاهده

کنفرانس دیپلماتیک در سال ۲۰۱۳ توسط دولت‌ها به منظور بررسی تحولات به وجود آمده پس از کنفرانس ژوئیه ۲۰۱۲ و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه تصویب معاهده تأکید نمود (Villacampa, 2012, p.3).

با توجه به اینکه اختلاف نظر اعضا در مورد برخی مفاد معاهده مانع از دستیابی آنها به اجماع در کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات شده است، آگاهی از این مسئله مستلزم تجزیه و تحلیل محتوای معاهده می‌باشد، تا در این راستا مشخص گردد معاهده تجارت تسلیحات تا چه اندازه با انعکاس دیدگاه‌ها، نقطه نظرات و مواضع کلیه دولت‌ها، اهداف و منافع ملی آنها را تأمین خواهد کرد.

۵. محتوای معاهده تجارت تسلیحات^(۴)

معاهده تجارت تسلیحات از یک مقدمه و ۲۸ ماده تشکیل شده است. ارزیابی مفاد مقدمه گویای آن است که این معاهده صرفاً نقل و انتقال بین‌المللی تسلیحات متعارف را مد نظر قرار داده و بر حق دولت‌ها برای تنظیم و کنترل تسلیحات متعارف واقع در قلمرو سرزمینی‌شان تأکید دارد. نکته قابل توجه در مقدمه این است که تجارت مشروع و مالکیت قانونی و استفاده از تسلیحات متعارف

مشخص برای فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی و تاریخی به رسمیت شناخته شده است. از این رو، به نظر می‌رسد منافع امریکا مبنی بر حفظ حقوق شهروندان امریکایی برای مالکیت سلاح (مطابق حقوق داخلی این کشور) و عدم مغایرت آن با قوانین داخلی این کشور لحاظ شده باشد.

این معاهده همچون سایر معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی دارای اصول و اهداف مهمی همچون حق دولت‌ها برای دفاع از خود؛ حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات؛ جلوگیری از تهدید یا کاربرد زور؛ عدم مداخله در امور داخلی کشورها؛ احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه؛ احترام به منافع مشروع دولت‌ها برای دستیابی به تسلیحات متعارف به منظور اعمال حق دفاع مشروع و عملیات‌های حفظ صلح و نیز تولید، صادرات، واردات و نقل و انتقال تسلیحات متعارف می‌باشد. مهم‌ترین موضوعات و اهداف معاهده نیز در ماده یک ذکر شده است. ایجاد عالی‌ترین معیارهای مشترک بین‌المللی به منظور تنظیم یا اصلاح مقررات تجارت بین‌المللی تسلیحات متعارف؛ جلوگیری و ریشه‌کنی تجارت غیر قانونی تسلیحات و جلوگیری از انحراف آنها و مشارکت و همکاری در صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای و

بین‌المللی؛ کاهش آلام انسانی و در نهایت ارتقای سطح همکاری، شفاف‌سازی و اقدام مسئولانه دولت‌های عضو معاهده از طریق اعتمادسازی میان دولت‌ها، از جمله اهداف مهم مندرج در معاهده تجارت تسلیحات می‌باشد.

دامنه معاهده تجارت تسلیحات مطابق بند یک ماده ۲ شامل کلیه تسلیحات متعارف موجود در گروه‌های تسلیحاتی مانند تانک‌های جنگی^{۲۷}، خودروهای زرهی^{۲۸}، سامانه‌های توپخانه‌ای با کالیبر بزرگ^{۲۹}، هواپیمای جنگنده^{۳۰}، بالگردهای نظامی^{۳۱}، ناوهای جنگی^{۳۲}، موشک‌ها و موشک‌اندازها^{۳۳} و سلاح‌های کوچک و سبک^{۳۴} می‌شود. نکته قابل توجه آنکه مهمات/جنگ‌افزارها، اجزا و قطعات جزو دامنه شمول معاهده در نظر گرفته نشده‌اند و صرفاً بر ایجاد سیستم کنترل ملی برای تنظیم صادرات آنها تأکید شده است. در واقع، گروه‌های تسلیحاتی مورد اشاره در این معاهده، محدوده وسیعی از

تسلیحات متعارف جدید را شامل نمی‌شود. به نظر می‌رسد کشورها برای دستیابی به یک معاهده بین‌المللی در مورد حداقل گروه‌های تسلیحاتی به توافق رسیده باشند؛ هرچند در این حداقل‌ها نیز اشاره‌ای به «مین‌ها»^{۳۵} و «نارنجک‌های دستی»^{۳۶} و مهم‌تر از آن، تسلیحات متعارف مدرن نظیر پهپادها و «هواپیماهای بدون خلبان»^{۳۷} نشده است. در نتیجه، بسیاری از صادرکنندگان تسلیحات نظامی می‌توانند بدون هیچ‌گونه محدودیتی همچنان به سفارش تولید تسلیحات مدرن، تجارت، صادرات و نقل‌وانتقال این‌گونه تسلیحات ادامه دهند.

براساس این معاهده، دولت‌ها موظف به ایجاد سیستم کنترل ملی^{۳۸} برای تنظیم صادرات مهمات/جنگ‌افزارهای شلیک‌شده، پرتاب‌شده یا هدف‌گیری‌شده^{۳۹} توسط تسلیحات متعارف و نیز تنظیم صادرات اجزا و قطعاتی هستند که امکان مونتاژ تسلیحات متعارف مندرج در بند یک ماده ۲ معاهده را فراهم می‌آورد.

بین‌المللی؛ کاهش آلام انسانی و در نهایت ارتقای سطح همکاری، شفاف‌سازی و اقدام مسئولانه دولت‌های عضو معاهده از طریق اعتمادسازی میان دولت‌ها، از جمله اهداف مهم مندرج در معاهده تجارت تسلیحات می‌باشد.

دامنه معاهده تجارت تسلیحات مطابق بند یک ماده ۲ شامل کلیه تسلیحات متعارف موجود در گروه‌های تسلیحاتی مانند تانک‌های جنگی^{۲۷}، خودروهای زرهی^{۲۸}، سامانه‌های توپخانه‌ای با کالیبر بزرگ^{۲۹}، هواپیمای جنگنده^{۳۰}، بالگردهای نظامی^{۳۱}، ناوهای جنگی^{۳۲}، موشک‌ها و موشک‌اندازها^{۳۳} و سلاح‌های کوچک و سبک^{۳۴} می‌شود. نکته قابل توجه آنکه مهمات/جنگ‌افزارها، اجزا و قطعات جزو دامنه شمول معاهده در نظر گرفته نشده‌اند و صرفاً بر ایجاد سیستم کنترل ملی برای تنظیم صادرات آنها تأکید شده است. در واقع، گروه‌های تسلیحاتی مورد اشاره در این معاهده، محدوده وسیعی از

35. Landmines

36. Hand Grenades

37. Drones

38. National Control System

39. Export of Ammunition/Munitions Fired, Launched or Delivered

27. Battle Tanks

28. Armoured Combat Vehicles

29. Large-Calibre Artillery Systems

30. Combat Aircraft

31. Attack Helicopters

32. Warships

33. Missiles and Missile Launchers

34. Small Arms and Light Weapons

ماده ۶ نیز یکی از مواد قابل بحث در معاهده تجارت تسلیحات است. اشاره به تحریم‌های بین‌المللی در بند یک ماده ۶ این معاهده می‌تواند بیانگر اعمال فشار و محدودیت بیشتر در نقل و انتقال تسلیحات متعارف به/ از برخی کشورهای تحت تحریم سازمان ملل باشد. این نگرانی وجود دارد که کشورهای مورد هدف تحریم‌های بین‌المللی از حق تأمین تسلیحات مورد نیاز خود برای حفظ امنیت، استقلال و تمامیت ارضی خود محروم و با مشکلات عمده‌ای در روند صادرات و واردات تسلیحات متعارف مواجه شوند. با وجود آنکه مقدمه معاهده بر ضرورت جلوگیری و ریشه‌کنی تجارت غیر قانونی تسلیحات متعارف و نیز جلوگیری از انحراف آنها به سمت بازار غیر قانونی یا مصرف و مصرف‌کنندگان نهایی غیر مجاز تأکید کرده و به رغم درخواست بسیاری از کشورها، در هیچ بخشی از معاهده حتی در بند ۲ ماده ۶ نیز نقل و انتقال تسلیحات به بازیگران مسلح غیر دولتی به صراحت ممنوع نشده است، لذا عدم اشاره صریح به این مسئله می‌تواند تاحدی به معنای آزادی عمل صادرکنندگان بزرگ تسلیحات در نقل و انتقال تسلیحات به گروه‌هایی باشد که در راستای منافع آنها فعالیت می‌کنند. مطابق بند ۳ این ماده،

هرگونه نقل و انتقال تسلیحات و مهمات/جنگ‌افزارهای موجود در دامنه شمول معاهده که امکان استفاده از آنها برای نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت یا جرایم جنگی وجود دارد، ممنوع است. این ممنوعیت شامل اهداف غیر نظامی مورد هدف یا غیر نظامیان تحت حمایت و نیز نقض جدی ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو می‌گردد. بند ۳ ماده ۶ معاهده، مسئولیتی را متوجه دولت‌های صادرکننده تسلیحات می‌کند که تاحدی منعکس‌کننده مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال «کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل غیر قانونی بین‌المللی» در ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال غیر قانونی بین‌المللی مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ است.^(۵) لذا احتمال اینکه بند ۳ ماده ۶ معاهده در آینده، پدیدآورنده‌ی هنجار مهم عرفی در رابطه با مسئولیت دولت‌ها باشد، بعید و دور از ذهن نیست.

صادرات و واردات از دیگر موضوعات مهم مندرج در مواد ۷ و ۸ معاهده می‌باشد که مطابق آن، دولت صادرکننده موظف است براساس صلاحیت حاکمیتی و سیستم کنترل ملی خود به شیوه‌ای غیر تبعیض‌آمیز و

آتی کشورهای بزرگ صادرکننده و استناد آنها به احتمال انحراف در نقل و انتقال تسلیحات صادرشده برای جلوگیری از صدور تسلیحات به معاهده تجارت تسلیحات رأی ممتنع دادند.

همان گونه که دولت‌های عضو مطابق این معاهده موظف به اتخاذ تمهیدات لازم و نیز ایجاد سیستم کنترل ملی برای اجرای بهتر معاهده هستند، گزارش‌دهی آنها در خصوص «صادرات یا واردات تسلیحات مجاز یا فعلی»^{۴۰} (و نه مهمات/جنگ‌افزارها) نیز الزامی است؛ هرچند «اطلاعات امنیت ملی یا اطلاعات حساس تجاری»^{۴۱} می‌تواند از این امر مستثنی شود (ماده ۱۳). این احتمال وجود دارد که دولت‌ها به بهانه نگرانی از فاش شدن اطلاعات امنیت ملی یا اطلاعات حساس تجاری خود، از ارائه گزارش دقیق امتناع نموده و پنهان‌کاری پیشه کنند. در این معاهده هیچ‌گونه ضمانت اجرایی قوی برای اجرا و مقابله با نقض تعهدات از سوی دولت‌ها در نظر گرفته نشده و دولت‌ها مطابق ماده ۱۴ صرفاً موظف به «اتخاذ تمهیدات مناسب برای اجرای قوانین و مقررات ملی برای اجرای

بی‌طرفانه نسبت به صدور مجوز صادرات اقدام کند. اما باید توجه داشت که همواره ملاحظات سیاسی و معیارهای دوگانه و تبعیض‌آمیز در ارزیابی دولت‌های غربی که اکثراً صادرکنندگان بزرگ تسلیحات نیز هستند، دخیل بوده و به همین دلیل، امکان ممانعت از صدور تسلیحات به برخی کشورهای رقیب یا دشمن وجود دارد. در واقع ابهام در مصادیق نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در معاهده، زمینه سوءاستفاده ابزاری از این مقوله را در آینده فراهم می‌کند. این امر بیانگر آن است که کشورهای بزرگ صادرکننده همانند گذشته، براساس اهداف و منافع ملی خود در خصوص صدور تسلیحات به کشورها به‌ویژه کشورهای دوست، همسو و همفکر فارغ از سوابق حقوق بشری آنها تصمیم‌گیری خواهند کرد.

جلوگیری از انحراف نقل و انتقال تسلیحات متعارف از جمله وظایف دولت صادرکننده مطابق ماده ۱۱ معاهده می‌باشد. در این رابطه نیز کشورهای بزرگ صادرکننده تسلیحات در بسیاری موارد با اقدامات گزینشی خود به بهانه احتمال وقوع خطر انحراف مانع از صدور تسلیحات می‌شوند. به همین دلیل برخی کشورها مانند روسیه و چین به منظور مقابله با هرگونه اقدام گزینشی

40. Authorized or Actual Exports or Imports of Arms

41. Commercially Sensitive or National Security Information

معاهده» هستند. در مجموع، دولت‌ها باید طی یک‌سال پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده، گزارش خود در خصوص اقدامات اتخاذ شده جهت اجرای این معاهده شامل قوانین ملی، فهرست‌های کنترل ملی و سایر قوانین و مقررات اجرایی را به دبیرخانه ارائه دهند.

«دبیرخانه موقتی»^{۴۲} مطابق ماده ۱۷ معاهده، مسئولیت برگزاری «کنفرانس دولت‌های عضو»^{۴۳} را طی یک سال پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده برعهده دارد. دبیرخانه معاهده نیز با هدف کمک به دولت‌های عضو برای اجرای مؤثر معاهده در ماده ۱۸ پیش‌بینی شده است.

در رابطه با هرگونه طرح پیشنهاد «اصلاحیه»^{۴۴} از سوی دولت‌های عضو لازم به ذکر است که هر یک از دولت‌ها براساس ماده ۲۰ معاهده می‌توانند پیشنهادات خود در رابطه با اصلاحیه معاهده را ۶ سال پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده ارائه دهند. در صورتی که اعضا نتوانند به اجماع یا توافق در مورد اصلاحیه پیشنهادی دست یابند، اصلاحیه مذکور باید به‌عنوان «آخرین راه‌حل»^{۴۵} از طریق سه‌چهارم اکثریت آرای دولت‌های

حاضر و رأی‌دهنده در جلسه کنفرانس اعضا به تصویب رسد. از آنجا که این احتمال وجود دارد که دولت‌های عضو یک معاهده در خصوص تفسیر یا نحوه اجرای معاهده دچار اختلاف شوند، در متن بسیاری از معاهدات، ماده‌ای برای «حل‌وفصل اختلافات»^{۴۶} در نظر گرفته می‌شود. مطابق ماده ۱۹ معاهده، هر یک از دولت‌های عضو باید با رضایت متقابل نسبت به همفکری و همکاری با یکدیگر برای حل‌وفصل اختلافات ناشی از تفسیر یا اجرای معاهده از طریق مذاکره، میانجیگری، مصالحه، ابزارهای قضایی یا سایر ابزارهای صلح‌آمیز از جمله داوری اقدام نمایند.

این معاهده از تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۳ تا زمان لازم‌الاجرا شدن آن، در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برای امضای دولت‌های عضو موجود است و اسناد مربوط به تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق نیز باید تسلیم «امین معاهده»^{۴۷} (دبیرکل سازمان ملل) گردد. ضمناً این معاهده متعاقب لازم‌الاجرا شدن برای الحاق هر یک از دولت‌هایی که معاهده را امضا نکرده‌اند، مفتوح است. معاهده مذکور پس از ۹۰ روز از تاریخ تسلیم پنجاهمین

42. Secretariate

43. Conference of States Parties

44. Amendment

45. A Last Resort

46. Dispute Settlement

47. Depository

تسلیحات متعارف از تاریخ ۲۸-۱۸ مارس ۲۰۱۳ (۲۸ اسفند ۱۳۹۱ لغایت ۸ فروردین ۱۳۹۲) در مقر سازمان ملل در شهر نیویورک برگزار کرد. پس از ۷ سال مذاکره و گفتگوی مداوم اعضا در خصوص موضوعات مهم مورد اختلاف و اظهار امیدواری آنها نسبت به تصویب معاهده از طریق اجماع در کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات، وجود برخی اختلاف نظرها میان شماری از دولت‌ها موجب شکست کنفرانس و اجماع شد و در نهایت معاهده به ابتکار مکزیک برای رأی‌گیری در مجمع عمومی مطرح گردید. سرانجام، این معاهده در تاریخ ۲ آوریل ۲۰۱۳ با ۱۵۴ رأی مثبت، ۲۳ رأی ممتنع و ۳ رأی منفی سوریه، ایران و کره شمالی توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد (Kimbal, 2013). چین، روسیه، کوبا، ونزوئلا، بولیوی، نیکاراگوئه (تولیدکنندگان اصلی تسلیحات) و هند، پاکستان و اندونزی (بزرگ‌ترین واردکنندگان تسلیحات در جهان) به همراه کشورهای از خاورمیانه همچون عمان، بحرین، کویت، قطر، عربستان سعودی از جمله کشورهایی بودند که به این معاهده رأی ممتنع دادند. نماینده سوریه در مخالفت با پیش‌نویس معاهده ضمن اعلام مواضع خود مبنی بر لزوم

سند تصویب، پذیرش یا تصویب به امین معاهده لازم‌الاجرا می‌گردد. دولت‌هایی که سند تصویب، پذیرش، تصویب یا الحاق خود را به امین معاهده تسلیم کنند، این معاهده ۹۰ روز پس از تاریخ تسلیم سند برای آنها لازم‌الاجرا خواهد بود. مدت این معاهده بنا بر توافق دولت‌های عضو، نامحدود است. هریک از دولت‌ها مطابق ماده ۲۴ معاهده در راستای اعمال حق حاکمیت ملی خود از حق خروج از معاهده برخوردارند. بنابراین، دولت مربوطه باید اطلاعیه‌ای در خصوص خروج از معاهده به امین معاهده ارائه دهد تا آن را به اطلاع سایر دولت‌های عضو برساند. این اطلاعیه ۹۰ روز پس از اعلام وصول اطلاعیه خروج توسط امین معاهده اجرایی می‌گردد؛ مگر آنکه تاریخ دیگری در این اطلاعیه مشخص گردد.

۶. کنفرانس نهایی ملل متحد در سال ۲۰۱۳

در نتیجه تصمیم‌گیری کشورهای عضو معاهده در سال ۲۰۱۲، «کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات»^{۴۸} جلسات مذاکراتی میان اعضا جهت دستیابی به سند قانونی الزام‌آور در راستای اجرای معیارهای مشترک بین‌المللی برای نقل و انتقال

48. The Final United Nations Conference on the Arms Trade Treaty

رعایت حق کلیه دولت‌ها برای تضمین امنیت، حفظ تمامیت ارضی، دفاع از خود و حق تعیین سرنوشت در معاهدات بین‌المللی اظهار داشت که این معاهده نیز باید رویه مشابهی را اتخاذ می‌نمود و آشکارا تهیه و تأمین تسلیحات مورد نیاز نهادهای غیر دولتی توسط برخی دولت‌ها را ممنوع می‌ساخت. در عین حال، موضوعات بسیاری از جمله حقوق دولت‌های واردکننده، وضعیت ائتلاف‌های نظامی و تضمین‌های لازم برای اطمینان یافتن از تعهد کشورهای صادرکننده به مفاد معاهده باید در جریان مذاکرات به شیوه‌ای کاملاً شفاف مورد بررسی قرار می‌گرفت. ایجاد توازن میان مسئولیت‌های تولیدکنندگان و واردکنندگان تسلیحات در جهان از جمله موضوعاتی است که در این معاهده رعایت نشده است.

نماینده ایران نیز در رابطه با دلیل مخالفت ایران با پیش‌نویس معاهده اعلام داشت که اساس معاهده باید محکم و قابل اطمینان باشد تا کلیه دولت‌ها رفتار مسئولانه‌تری داشته باشند. ایجاد معیارهای مشترک در این معاهده مستلزم آن است که دولت‌های عضو از به‌کارگیری تفاسیری که احتمال سیاسی شدن آنها می‌رود، اجتناب ورزند. وی همچنین خواستار معاهده‌ای با

دامنه محدود و عملیاتی، مبتنی بر مذاکرات بی‌طرفانه و غیر سیاسی برای دستیابی به اهداف مشترک شد.

نماینده کره شمالی در مخالفت با معاهده اعلام داشت که متن معاهده باید ضرورت انعقاد معاهده‌ای پیرامون امحای کامل تسلیحات هسته‌ای را منعکس سازد، اما دولت‌های مسلح به سلاح هسته‌ای مخالف چنین معاهده‌ای هستند، به‌ویژه دولتی که نوسازی سلاح‌های هسته‌ای خود را پیگیری می‌کند و کشورهای مشخصی را به‌عنوان اهداف حمله پیشدستانه در فهرست خود ثبت می‌کند. تداوم سیاست حمله پیشدستانه از سوی بزرگ‌ترین کشورهای هسته‌ای احتمالاً دولت‌های هسته‌ای جدیدتری را پدید می‌آورد و موجبات رقابت تسلیحات هسته‌ای بالقوه‌ای می‌شود. وی ضمن تأکید بر این مسئله که خلع سلاح هسته‌ای باید در بخشی از مقدمه معاهده مد نظر قرار گیرد، خواستار احترام به حق دفاع از خود و قانونی‌شدن تجارت تسلیحات مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد (اصل دفاع مشروع) شد. به اعتقاد وی، این حق باید شامل تولید، صادرات، واردات و نقل و انتقال فناوری تسلیحات متعارف باشد و نباید صرفاً به تعداد اندکی از کشورها محدود گردد.

نگرانی فزاینده‌ای در میان مقامات سوری دامن زده است، مبنی بر اینکه احتمال تشدید بحران داخلی در سوریه از طریق تجهیز گروه‌های غیر دولتی شورشی توسط کشورهای غربی بیش از پیش وجود دارد که همین عامل تأثیر به‌سزایی در مخالفت با اجماع و پیوستن به جمع دو کشور مخالف دیگر داشت. تلاش برخی کشورهای عضو معاهده بر این بود تا با تأکید بر اجماع به عنوان مبنایی برای تصویب، معاهده‌ای با قدرت هرچه بیشتر به تصویب رسد؛ حال آنکه دیدگاه ویژه برخی کشورها از جمله کره شمالی، ایران و سوریه و عدم آمادگی آنها برای حمایت رسمی از معاهده، موجب شکست اجماع و نیز کنفرانس نهایی در تصویب معاهده شد.

۷. جمهوری اسلامی ایران و معاهده تجارت تسلیحات

ایران معتقد است معاهده تجارت تسلیحات آن چنان که باید معاهده‌ای مؤثر، جدی، متوازن و غیر تبعیض‌آمیز نیست و پیش‌نویس آن به دلیل رویکرد غیر شفاف و عدم مذاکرات واقعی برای جلب دیدگاه‌ها و نظرات کلیه کشورها صرفاً به منظور حفظ و تأمین منافع کشورهای خاص تهیه شده است. مخالفت ایران با پیش‌نویس معاهده

در مجموع، به نظر می‌رسد مخالفت جدی این سه کشور با پیش‌نویس معاهده تأثیر به‌سزایی در شکست کنفرانس نهایی و نیز اجماع دولت‌های عضو داشت. اگرچه برخی کشورها مانند روسیه، چین، هند نیز که بعدها در جریان رأی‌گیری در مجمع عمومی، رأی ممتنع به معاهده دادند، مخالفت‌هایی با برخی مفاد معاهده داشتند، مخالفت آشکار این سه کشور مانع از اجماع دولت‌ها برای تصویب معاهده در کنفرانس نهایی ملل متحد در خصوص تجارت تسلیحات شد. واقعیت امر این است که اشاره معاهده تجارت تسلیحات در بند یک ماده ۶ به ممانعت از نقل و انتقال تسلیحات در صورت نقض تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، این نگرانی را برای برخی کشورهای تحت تحریم سازمان ملل همچون ایران و کره شمالی به وجود آورد که از این ماده به عنوان اهرم فشاری علیه این دو کشور به ویژه در امر صادرات، واردات و نقل و انتقال تسلیحات متعارف جهت دفاع از خود و حفظ تمامیت ارضی استفاده شود.

در رابطه با سوریه نیز لازم به ذکر است که شعله‌ور شدن جنگ داخلی در این کشور و عدم ممنوعیت صدور تسلیحات متعارف به گروه‌های غیر دولتی در معاهده مذکور به

بنابه دلایل متعددی است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) نادیده‌انگاشتن درخواست بسیاری از کشورها مبنی بر ضرورت ممنوعیت انتقال تسلیحات به مرتکبان اعمال تجاوزکارانه به‌رغم آنکه مقابله با این‌گونه اقدامات، وظیفه ذاتی و هدف اساسی سازمان ملل است؛

ب) عدم ارائه تعریف روشن و دقیقی از معیارهای بین‌المللی نقل‌وانتقال و تجارت تسلیحات برای جلوگیری از سوءاستفاده و اعمال نظر سیاسی و تبعیض‌آمیز کشورهای صادرکننده تسلیحات؛

پ) عدم ممنوعیت نقل‌وانتقال تسلیحات به گروه‌ها و بازیگران غیر دولتی؛

ت) نادیده‌انگاشتن حق خرید تسلیحات توسط کشورهایی که نیازمند واردات تسلیحات برای دفاع و حفظ تمامیت ارضی خود هستند؛ و

ث) اشاره به قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های بین‌المللی به‌منظور جلوگیری از نقل‌وانتقال، صادرات و واردات تسلیحات توسط کشورهای مورد هدف تحریم (UN Document: GA/11354, 2013, pp. 10-11).

در حقیقت، ابهام در تعاریف و معیارهای بین‌المللی، ملاحظات سیاسی و اعمال نظرهای تبعیض‌آمیز برخی کشورها، این پرسش را

برای بسیاری از کشورهایی که به معاهده رأی ممتنع یا منفی داده‌اند، به‌وجود آورده که معاهده تجارت تسلیحات تا چه اندازه می‌تواند در زمینه تنظیم تجارت و نقل‌وانتقال تسلیحات به سایر کشورها موفق عمل کند. چرا که به اعتقاد این گروه از کشورها به‌ویژه ایران، معاهده به‌طور اصولی و متناسب با حقوق، دیدگاه‌ها و ملاحظات همه کشورها تهیه و تصویب نشده، لذا در امر شفاف‌سازی حجم تولیدات کشورهای صادرکننده، میزان نقل‌وانتقال تسلیحات، نحوه گزینش کشورها برای صدور تسلیحات و بسیاری موارد دیگر چندان تأثیرگذار نخواهد بود. در واقع، ایران وجود عباراتی مانند ملاحظات مربوط به نقض حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، خطرهای انسانی و غیره را راه‌گیزی برای برخورد گزینشی و اعمال سیاست‌های دوگانه توسط کشورهای صادرکننده تسلیحات می‌داند؛ چرا که به‌واسطه این معاهده، نقل‌وانتقال و صدور تسلیحات به گروه‌های مسلح خشونت‌طلب و گروه‌های تروریستی فعال در برخی کشورها از جمله سوریه ممنوع نخواهد شد و تا زمانی که منافع کشورهای صادرکننده تسلیحات ایجاب کند، صدور تسلیحات حتی به کشورهای ناقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه ادامه خواهد داشت.

فرجام

۱. آثار و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیم تجارت غیر مسئولانه تسلیحات بر مرگ میلیون‌ها انسان بی‌گناه به‌ویژه غیر نظامیان در جریان بحران‌های داخلی، مناقشات مسلحانه و جنگ‌های خشونت‌بار در نقاط مختلف جهان طی چند دهه گذشته غیر قابل انکار بوده، تا جایی که تدوین و تنظیم معاهده تجارت تسلیحات را به امری ضروری برای مقابله با شتاب فزاینده تجارت تسلیحات و تهدیدهای انسانی ناشی از آن تبدیل کرده است.

۲. فقدان قوانین و مقررات بین‌المللی برای مقابله با تجارت غیر قانونی تسلیحات همزمان با ورود تسلیحات جدید به عرصه مناقشات و جنگ‌های مدرن امروزی موجب شده تا نه تنها عرضه‌کنندگان و صادرکنندگان نوظهوری همچون چین در کنار صادرکنندگان بزرگ تسلیحات جهان، سهم قابل ملاحظه‌ای از بازار جهانی تسلیحات را در اختیار گیرند، بلکه قاچاق غیر قابل کنترل تسلیحات توسط بازیگران غیر دولتی، گروه‌های مسلح خشونت‌طلب و تروریستی به مراتب بیش از گذشته افزایش یابد. کلیه این عوامل نقش به‌سزایی در شکل‌گیری

زمینه‌های لازم برای طرح معاهده تجارت تسلیحات داشته‌اند.

۳. رقابت‌های تسلیحاتی کشورهای بزرگ صادرکننده تسلیحات متعارف در جهان نیز در شکل‌گیری معاهده تأثیرگذار بوده است. این بدان معناست که افزایش صادرات تسلیحات چین و روسیه به کشورهای خاورمیانه و آفریقا و در مقابل کاهش صدور تسلیحات توسط برخی کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، آلمان و انگلیس طی دو دهه گذشته تاحدی موجب گردیده تا این گروه از کشورها به بهانه جلوگیری از نقض حقوق بشر و قتل عام غیر نظامیان در مناطق بحران‌زده به‌ویژه آفریقا و با کسب حمایت جامعه مدنی و سازمان‌های غیر دولتی حامی حقوق بشر در صدد تنظیم، حفظ توازن و قانونمند کردن تجارت تسلیحات میان کشورهای صادرکننده از طریق معاهده‌ای بین‌المللی برآیند.

۴. معاهده تجارت تسلیحات گامی مهم و رو به جلو در امر کنترل واردات، صادرات و نقل و انتقال تسلیحات متعارف در جهان است، اما بررسی فرایند مذاکراتی، گویای آن است که این معاهده بیشتر براساس منافع سیاسی، امنیتی، اقتصادی و تجاری کشورهای بزرگ صادرکننده تسلیحات در جهان تدوین و تنظیم شده و حقوق واردکنندگان را نادیده

انگاشته است. از آنجا که کلیه کشورها از ابتدا در فرایند مذاکراتی این معاهده نقش نداشته‌اند، لذا نمی‌توان انتظار داشت که نظرات، دیدگاه‌ها، ملاحظات و منافع همه آنها در معاهده انعکاس یافته باشد. با توجه به درج ملاحظات حقوق بشری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، صلح و امنیت بین‌المللی، تحریم‌های بین‌المللی و برخی جرایم دیگر مانند نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی (به‌استثنای اعمال تجاوزکارانه) در معاهده توسط کشورهای صادرکننده به‌عنوان مبنای صدور مجوز صادرات تسلیحات به کشورها، هرگونه سوءاستفاده ابزاری، گزینشی، سیاسی و تبعیض‌آمیز از این موارد علیه کشورهای واردکننده از جمله کشورهای رقیب یا دشمن دور از ذهن نخواهد بود؛ به‌ویژه آنکه حق کشورهای واردکننده برای واردات تسلیحات به منظور دفاع و حفظ تمامیت ارضی کشور نیز به صراحت در این معاهده به رسمیت شناخته نشده است.

۵. این‌گونه استنباط می‌شود که کشورها ترجیح دادند معاهده‌ای هرچند ضعیف با حضور موافق آمریکا به تصویب برسد تا اینکه همچنان به مبارزات خود برای نظارت و کنترل بیشتر بر فروش تسلیحات به دلیل عدم

همراهی صادرکنندگان بزرگ تسلیحات متعارف در جهان ادامه دهند. باید توجه داشت که به‌رغم عدم مغایرت مفاد معاهده با قوانین داخلی آمریکا به دلیل مخالفت برخی گروه‌های داخلی در این کشور، تصویب آن توسط مجلس سنا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

۶. معاهده تجارت تسلیحات زمانی موفق عمل خواهد کرد که تعهدات دولت‌ها به‌طور شفاف مشخص شده باشد؛ حال آنکه این تعهدات در بسیاری موارد همچون همکاری برای جلوگیری از انحراف تسلیحات به بازار غیر قانونی و مصرف و مصرف‌کنندگان نهایی غیر مجاز نامشخص و مبهم هستند. علاوه بر این، سازوکاری نیز در این معاهده پیش‌بینی نشده تا به‌واسطه آن، امکان بازنگری در دامنه و گروه‌های تسلیحاتی تحت پوشش معاهده جهت دربرگرفتن تسلیحات متعارف مدرن و جدید فراهم آید. در صورتی که چنین سازوکاری برای معاهده مد نظر قرار می‌گرفت، نه تنها دامنه و گروه‌های تسلیحاتی تحت پوشش معاهده صرفاً محدود به موارد ذکرشده در معاهده نمی‌شد، بلکه امکان روزآمد شدن معاهده نیز به وجود می‌آمد. این در حالی است که متن کنونی معاهده صرفاً به احتمال برگزاری «کنفرانس‌های دولت‌های

bi Protocol for the Prevention, Control and Reduction of Small Arms and Light Weapons in the Great Lakes Region and the Horn of Africa, Signed 21 Apr. 2004,

available at: <http://www.grip.org/bdg/g4552.html>

۴. برای اطلاعات بیشتر در رابطه با مفاد معاهده تجارت تسلیحات به منبع زیر مراجعه شود:

http://www.un.org/disarmament/ATT/docs/Draft_ATT_text_27_Mar_2013_E.pdf

۵. ماده ۱۶ پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها در قبال

اعمال غیر قانونی بین‌المللی مصوب کمیسیون

حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ در خصوص

«کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل غیر قانونی

بین‌المللی» است. این ماده بیان می‌دارد که: «اگر

دولتی به دولت دیگر در ارتکاب یک عمل غیر

قانونی بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، به دلیل

ارتکاب چنین عملی، به همراه دولت اخیر از نظر

بین‌المللی مسئول است»: در صورتی که ۱. آن

دولت چنین عملی را با آگاهی از شرایط غیر

قانونی بودن عمل از نظر بین‌المللی انجام دهد؛ و

۲. اگر عمل ارتكابی توسط آن دولت به‌لحاظ

بین‌المللی غیر قانونی باشد. برای اطلاعات بیشتر

به منبع زیر مراجعه شود:

Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Act (2001), **Year-Book of the International Law Commission**, Vol. II, Part Two, available at: untreaty.un.org/ilc/texts/instrument

s/.../commentaries/9_6_2001.pdf

عضو» برای بازنگری نحوه اجرا و مسائل مرتبط با تفسیر معاهده اشاره دارد.

پانوشتها

۱. برای اطلاعات بیشتر به منبع زیر مراجعه شود:

United Nations, General Assembly, UN Programme of Action to Prevent, Combat and Eradicate the Illicit Trade in Small Arms and Light Weapons in All Its Aspects, A/CONF.192/15, adopted 20 July 2006.

۲. برای اطلاعات بیشتر به کنوانسیون زیر مراجعه شود:

Inter-American Convention Against the Illicit Manufacturing of and Trafficking in Firearms, Ammunition, Explosives, and Other Related Materials (CIFTA Convention), adopted 13 Nov. 1997, entered into force 1 July 1998, available at: <http://www.oas.org/juridico/english/treaties/a-63.html>

۳. برای اطلاعات بیشتر به کنوانسیون زیر مراجعه شود:

Economic Community of West African States Convention on Small Arms and Light Weapons, Their Ammunition and Other Related Materials (ECOWAS Convention), adopted 14 June 2006, available at:

<http://www.unidir.org/bdd/fiche->

[article.php?ref_article=2836](http://www.unidir.org/bdd/fiche-article.php?ref_article=2836); and Nairo-

منابع فارسی

- http://books.sipri.org/product_info?c_product_id=428
۸. Holtom, Paul and et al., (March 2013), *Trends in International Arms Transfers, 2012*, Retrieved March 20, 2013, available at: <http://Books.sipri.org/files/FS/SIPRIFS1303.pdf>
۹. Kimball, Daryl G. (October 2011), *The Arms Trade Treaty At a Glance*, Retrieved April 25, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/factsheets/arms_trade_treaty
۱۰. Kimball, Daryl G. (April 2013), *Arms Trade Treaty Moves to UN Assembly*, Retrieved April 10, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/act/2013_04/Arms-Trade-Treaty-Moves-to-UN-Assembly
۱۱. Lamb, Guy (September 2012), *African States and the ATT Negotiations*, Retrieved April 18, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/act/2012_09/African-States-And-the-ATT-Negotiations
۱۲. Laurance, Edward J. (July/August 2011), 1991 *Arms Trade Control Efforts and Their Echoes*, Retrieved March 25, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/act/2011_%2007-08/
۱. ساعد، نادر و قاسم علیدوستی (۱۳۸۹)، *معاهدات دفاعی و تعاملات نظامی*، تهران: وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، معاونت امور بین‌الملل، ارتباطات و مطالعات دفاعی، دفتر مطالعات راهبردی، اداره کل مطالعات راهبردی.
۲. سعیدآبادی، علیرضا (۱۳۸۱)، «چیستی استراتژی»، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳. ظریف، محمدجواد، سیدمحمدکاظم سجادیپور (۱۳۸۷)، *دیپلماسی چندجانبه: نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی*، تهران: [به سفارش] دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

منابع لاتین

۴. Abramson, Jeff (November 2009), *U.S. Supports Arms Trade Treaty Process*, Retrieved March 10, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/act/2009_11/ArmsTradeTreaty
۵. Bolton, Matthew (April 2013), *Africa: The Arms Trade Treaty – a Pan-African Global Policy Victory*, Retrieved April 8, 2013, available at: <http://www.allafrica.com/stories/201304090051.html>
۶. Bromley, Mark and Paul Holtom, (July 2011), *Import Controls and Arms Trade Treaty*, Retrieved March 15, 2013, available at:

<http://www.state.gov/t/isn/armstradetreaty>

Villacampa, Javier Alcalde (December 2012), *2013: A Unique Opportunity for the Arms Trade Treaty*, Retrieved April 18, 2013, available at: www20.gencat.cat/docs/icip/Continguts/.../2012/.../ICIPPolicy06eng.pdf

<http://www20.gencat.cat/docs/icip/Continguts/.../2012/.../ICIPPolicy06eng.pdf>

13. Laurance, Edward J., Hendrik Wagenmakers, and Herbert Wulf, (Spring 2005), "Managing the Global Problems Created by the Conventional Arms Trade: An Assessment of the United Nations Register of Conventional Arms," *Global Governance*, Vol. 2, No. 11.

14. Mack, Daniel (July/August 2010), *The Arms Trade Treaty PreCom: Prepared and Committed?*, Retrieved April 3, 2013, available at: http://www.armscontrol.org/act/2010_07-08/mack

15. *UN Document: GA/11354*, date 2 April 2013, Retrieved April 3, 2013, available at: <http://www.un.org/News/Press/docs//2013/ga11354.doc.html>

16. United Nations Programme of Action Implementation Support System (UN-PoA-ISS), *European Union (EU)*, Retrieved April 2, 2013, available at: <http://www.poa-iss.org/Regional Organizations/10.aspx>

17. U.S. Department of State, *Arms Trade Treaty*, Retrieved March 30, 2013, available at: